

# پیام ملی

ارگان جبهه ملی ایران

شماره ۳۰ - پنجشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۵۹

۴ صفحه ۱۰ ریال

## امروز ساعت ۶ بعد از ظهر در تشکیلات جبهه ملی دکتر سید احمد مدنی درباره داستان نفت و خلع ید از پایگاههای استعماری سخنرانی می کند

جبهه ملی ایران برای بزرگداشت ۲۹ خرداد روز خلع ید امروز پنجشنبه ۲۹ خرداد از ساعت ۶ بعد از ظهر در محل تشکیلات مرکزی جبهه ملی خیابان سیمتری کارگر مقابل ستاد ژاندارمری مراسمی برپا میدارد. در این مراسم که با سالروز شهادت دکتر علی شریعتی نیز مصادف است از این شهید نهضت ملی ایران نیز تحلیل بعمل خواهد آمد. در گردهمایی امروز آقای دکتر سید احمد مدنی نماینده منتخب مردم کرمان در مجلس شورای ملی تحت عنوان داستان نفت و مسائل جاری کشور سخنرانی خواهند کرد. بقیه در صفحه ۴



روزنامه انقلاب اسلامی اعلام کرد:

## طرح توطئه حسن آیت برای سقوط رئیس جمهوری ۲۹ خرداد نخستین انقلاب ضد استعماری ملت ایران

در صفحه ۳

در صفحه ۴

## حکومت آمران غیر مسئول و گماشته‌ها و نوکرهای مسئول ولی بی اختیار

امروز لازم نیست رادیوها و روزنامه‌های خارجی از بهم ریختگی اوضاع کشور سخن بگویند و عوامل مزدور بیگانه برای سیاه نشان دادن سیمای کشور به جعل خبر بپردازند. امروز بهر جامه‌ی و با هر که سخن میگوئی و بهر کاری دست میزنی همه از بی نظمی و عدم مسئولیت و بر سر هم ریختگی و نبودن قانون و هیچ ضابطه دیگری حکایت میکنند. نگرانی " که عنوان سرمقاله شماره گذشته پیام جبهه ملی قرار گرفت بیان حال همه آحاد افراد آگاه کشور است که در هر جا و هر مقام در باره خود و فرزندان خود و حال و آینده کشور و هموعان خود دارند و این نگرانی روز بروز بلکه ساعت بساعت در حال افزایش است.

این روزها نه تنها در اظهارات رئیس جمهوری حتی در بیانات امام نیز که در مقام و شئون مختلف ایراد میشود نگرانی و تشویش بچشم میخورد.

دکتر کریم سنجابی عضو هیئت رهنبری جبهه ملی در سخنرانی مشروحی که به مناسبت زاد روز دکتر مصدق ایراد کرد، اظهار داشت که امروز کشور در حال هرج و مرج و یک نوع ملوک الطوائفی است و این امر ناشی از حکومتی است که در اوضاع و احوال بعد از انقلاب بر کشور مسلط گردیده است.

دکتر سنجابی حکومت کنونی ایران را حکومت آمران غیر مسئول از یکطرف و گماشته‌ها و نوکرهای مسئول و بی اختیار از طرف دیگر توصیف کرد.

امروز کسانی بر کشور حکومت میکنند که بطور رسمی و قانونی هیچگونه ستمی ندارند. ایمن با بهره برداری از اوضاع و احوال بعد از انقلاب بخصوص بعلمت عدم قاطعیت دولت موقت و همچنین بعلمت وجود نداشتن یک برنامه صحیح و جامع و قابل اجرا در زمان دولت موقت نیروهای مسلحی اگر چه کوچک تشکیل داده‌اند و با تکیه نیروهای مزدور با اقداماتی که مقتضی میدانند دست میزنند. در برابر مسئولان رسمی و قانونی حکومت به گماشته‌هایی تبدیل شده اند که هیچگونه اراده برای عمل و هیچ قدرتی برای اجرای تصمیمات خود در اختیار ندارند.

آمران غیر مسئول با اندازه‌های متعدد و در شهرها و سراسر مملکت پراکنده شده‌اند که یاد دوران ملوک الطوائفی و خان خانی تاریخ گذشته را در اذهان زنده میکنند و مسئولان بی اختیار توانائی جلوگیری از کارهای این حاکمان و حتی قدرت محدود کردن اعمال آنها را نیز ندارند.

اگر در روزهای بعد از انقلاب صحبت از تعدد مراکز قدرت و تصمیم گیری بمیان می‌آمد، باید گفت که امروز این مراکز بقدری افزایش یافته که اطلاق نوعی ملوک الطوائفی مناسب تر بنظر می‌رسد.

آمران غیر مسئول بدون آنکه مقید و ملزم به رعایت هیچ قانون و ضابطه‌ای باشند هر چه اراده کنند در محدوده حکومت و قدرت خود به اجراء در می‌آورند. جان و مال و حیثیت و نوامیس مردم بلا دفاع و بدون وجود هیچ ملجاء و پناهی در اختیار آنهاست.

مملکت در ظاهر دارای قانون اساسی جمهوری اسلامی میباشد و هزاران قانون و مقررات دیگری که تاکنون از طرف شورای انقلاب و مسئولان دولتی بعد از انقلاب نقض نشده وجود دارد. ولی آمران غیر مسئول این مقررات را بجزیی نمی‌شمرند و هر چه اراده کنند بعنوان مقررات اسلامی و احکام شرعی بموقع اجرا می‌گذارند.

گزارش کارهای بنیاد مستضعفان و تشکیل ششصد پرونده مربوط به قسمتی از سوء استفاده‌ها و تخلفات در بنیاد مذکور که عمق و نوع عملیات بنیاد مستضعفان را نشان میدهد و همچنین گزارش نماینده رئیس جمهوری از کرمانشاه و برپائی بساط زجر و شکنجه و اهانت و غارت مردم که روی ساواک شاه را سفید کرده از نمونه‌هایی است که در اوضاع و احوال هرج و مرج و حکومت ملوک الطوائفی آشکار شده است.

وقتی هر کسی نگران جان و مال و حیثیت خود است دیگر صحبت از اقتصاد و تولید و برنامه ریزی و آینده و سرنوشت کشور معنائی ندارد. ولی آنهایی که بهر حال نگران آینده کشور، نگران انقلاب ملت و نگران سرنوشت این مردم هستند چه باید بکنند.

بقیه در صفحه ۴

کشور در حال هرج و مرج و نوعی ملوک الطوائفی است

## از انحصار طلبی و فرصت طلبی و روش فاشیستی دست بردارید

کشته شدگان کردستان از هر دو طرف  
شهید هستند

ما صدمات فوق العاده شدید باصل وحدت ملی وارد بشود و قسمتی از اوقات گرانبهای مردم ما که میبایستی متفقا در راه بمرسانیدن انقلاب خود صرف بشود به مبارزه باصطلاح خلقها تلف بشود و جبهه ملی ایران از ابتدای آن بقیه در صفحه ۴

است. اما این تئوری خلقها کلا یک تئوری امپریالیستی است این نظریه همان نظریه فاشیست است که در جنگ بین الملل اول و دنباله جنگ بین الملل اول بنام دفاع از طبقه کارگر و رنجبر مورد سوء استفاده قرار میگرفت و چون موضوع کهنه شده است در این زمان اخیر تمام ملت ایران را به یک نحو مورد ظلم و ستم قرار داده است و قیام همه مردم ایران متحد و متفق در برابر این ظلم و ستم عمومی بوده

تمام ملت ایران را به یک نحو مورد ظلم و ستم قرار داده است و قیام همه مردم ایران متحد و متفق در برابر این ظلم و ستم عمومی بوده

دکتر کریم سنجابی عضو هیئت رهنبری جبهه ملی، در دومین بخش سخنرانی خود که در مراسم زاد روز دکتر محمد مصدق بیان میکرد به مسائل سیاسی و اجتماعی بعد از پیروزی انقلاب پرداخت و خاطرنشان ساخت در وحدت و اتفاق کلمه‌ای که همه بیان میکنند و شرط لازم موفقیت است، باکمال تاسف انحرافات بوجود آمده که مانع به نسر رسیدن انقلاب ملی و اسلامی مابطور کامل و کافی شده است. دکتر کریم سنجابی آنگاه گفت: باکمال تاسف باید بگویم که در این موضوع انحرافات بوجود آمده است که این انحرافات مانع از به ثمر رسیدن انقلاب ملی و اسلامی ما بطور کامل و کافی شده است. انحرافات اول من در اینجا فقط به این نکته اشاره میکنم که انحراف اول انحرافی است از جهت و عبارت است از تئوری خلقها، تئوری وارداتی امپریالیستی خلقها است که در ابتدای انقلاب بایران آوردند و از طرف چپ و مفهوم تئوری خلقها جز این نمیتواند باشد که یک خلق اکثریتی در این کشور وجود دارد که خلقهای دیگر که خلقهای اقلیت هستند تحت استعمار قرار بدهند تحت قیادت و رقیبت قرار بدهند یک چنین امری برخلاف واقع و حقیقت است و در ملت ایران، جامعه ملی ایران، یک خلق اکثریتی که خلقهای اقلیت را تحت سلطه و زورگویی خود قرار داده باشد وجود ندارد و اگر ملت ایران ظلم دیده، ستم دیده، ناحسانی کشیده، رنج برده و در برابر آن قیام کرده، تمام ملت ایران بوده است همه ملت ایران یکپارچه رنج برده‌اند خواه فارس باشد خواه ترک زبان باشد خواه کرد بلوچ باشد هیچوقت یک اکثریتی بنام یک اکثریتی ملی و خلقی بر اقلیتها ظلم و ستم نگردیده است بلکه دستگاه استبدادی

بدون داشتن دادگستری مستقل و قوی يك چرخ انقلاب می‌لنگد

## تضعیف قوه قضائیه گام برداشتن در راه استقرار نظام دیکتاتوری است

در صفحه ۴

رئیس دانشگاه مشها دلائل استعفاي خود را اعلام کرد

## دخالت‌های غیر قانونی استاندار و عوامل غیر مسئول باعث استعفاي من شد

است بنا به درخواست انجمن اسلامی دانشجویان، دانشگاه را در اختیار خود گرفته و استفاده از وسائل و امکانات آن را منوط به اجازه کتبی استانداری نموده‌اند.

۵- دادسرای انقلاب اسلامی مشهد به مراجعات مکرر معاون مالی و اداری و نامه‌های متعدد دانشگاه در مورد تخلیه سازمان مرکزی و تعقیب قانونی اشغال کنندگان که موجب خسارات مادی و معنوی جبران ناپذیری شده‌اند ترتیب اثر نداده و با امضای توافقی‌های با اشغال کنندگان در حضور هیات اعزامی ریاست جمهوری و معاونت مالی و اداری دانشگاه در ۲۱/۲/۵۹ به اشغال سازمان مرکزی توسط گروهی غیرمسئول مشروعیت داده و با تعیین شش نفر که چهار نفر آنها از اشغال کنندگان می‌باشند جهت نظارت بر انجام کارهای جاری عملاً از مدیریت دانشگاه و شورای سرپرستان سلب مسئولیت نموده‌اند.

در خاتمه اعتقاد راسخ دارم که دانشگاهیان مبارز و متعهد بویژه دانشجویان که همیشه پیشتر مبارزات ضد امپریالیستی و ضد استبدادی بوده‌اند این بار نیز پیروز خواهند شد.

و همچنین اقدام در تفویض اختیارات قانونی این جانب به فردی دیگر از اعضای آموزشی این دانشگاه بهمان شیوه‌ای که در نظام سیاه گذشته عمل میشد و رؤسای دانشگاهها را را "عزل و نصب می‌کردند.

۴- بی‌اعتنائی مسئولان اجرائی مملکتی بالاخص وزارت فرهنگ عالی در قبال دخالت غیر قانونی استاندار خراسان در امر مدیریت دانشگاه، توضیح آنکه آقای استاندار علاوه بر این که برخلاف قوانین موجود دستور توقیف حساب جاری دانشگاه را صادر نموده بود بلکه طی ابلاغ شماره ۳۵۴ مورخ ۲۱/۲/۵۹ که به امضای ایشان رسیده است به یکی از کارکنان چاپخانه ماموریت داده است تا اطلاع ثانوی بر امور چاپخانه نظارت داشته و از چاپ هرگونه اعلامیه و یا اطلاعیه جلوگیری نماید. در نامه دیگری که باز به امضای ایشان رسیده است و بصورت اطلاعیه‌ای به شماره ۵۱۲۲۸ مورخ ۲۱/۲/۵۹ صادر شده

دکتر غلامعلی ادریسیان رئیس دانشگاه مشهد طی نامه‌ای به شورای‌های دانشگاه مشهد، پس از ذکر مقدمه‌های دائر بر گوشه‌هایی که برای حفظ حیثیت و حرمت دانشگاه در مدت سرپرستی خود داشته، دلائل استعفاي خود را بشرح زیر ذکر نموده است:

۱- بی‌اعتنائی مقامات مسئول استان خراسان بویژه مقامات قضائی نسبت به درخواست مشروع شورای دانشگاه، شورای هماهنگی دانشجویان دانشگاه، مجامع عمومی استادان و شوراهای هماهنگی دانشکده‌های مختلف کارمندان و کارکنان سایر مؤسسات دولتی، شخصیت‌های محلی، گروههای سیاسی، فرهنگیان، کانون وکلا و قضات فرهنگسرای که همگی متفقا " طی اطلاعیه‌هایی حمله به دانشگاه را محکوم کرده و خواستار تعقیب و مجازات محرکین این حادثه تاسف بار که منجر به شهادت شکرالله مشکین فام دانشجوی این دانشگاه و زخمی شدن گروه کثیری از دانشجویان و استادان گردیده بودند.

۲- برخورد سرد و غیر متعصب خود اعلام کرده بودند

۳- موضع گیری غیراصولی وزارت فرهنگ و آموزش عالی نسبت به استقرار نظام شورائی در دانشگاه مشهد و عدم توجه به درخواستهای مشروع دانشگاهیان مشهد که مکرراً " ضمن ارسال اطلاعیه، طومار و تلگرامهای متعدد حمایت خود را از نظام شورائی و سرپرست منتخب خود اعلام کرده بودند

غلامعلی ادریسیان

# بدون داشتن دادگستری مستقل و قوی یک چرخ انقلاب می‌لنگد

## تضعیف قوه قضائیه گام برداشتن در راه استقرار نظام دیکتاتوری است

این روزها که وطن ما حساس‌ترین لحظات تاریخ خود را طی میکند و درگیر نبرد با امپریالیسم جهانی است آمریکا است.

در این برهه از زمان که سوء سیاست و انحصارطلبی هیئت حاکمه، مملکت را در آستانه موقعیتی خطیر قرار داده است. در لحظاتی که از برکت وجود گروههای فشار و عناصر وابسته و عوامل فریبکار نفاق‌افکن وحدت ملی جای خود را به نفاق و برادری می‌دهد و برادرکشی داده است و نیروهای اصل ملی که بایستی در سازندگی ایران بعد از انقلاب سهیم باشند مورد تهاجم و یورش عناصر افراطی فاشیست قرار گرفته‌اند و ایمنی برجان و مال جای خود به نامنی داده است، لبه تیز حمله افراد و گروهها و متاسفانه اغلب زعمای قوم و حاکمین فعلی گنجه منوجه دستگاه دادگستری میشود. و بزعم خود میخواهند قوه قضائیه را که پشتوانه عدالت اجتماعی و عامل مهم گسترش و تعمیق آزادی و امنیت جامعه است به حرکت درآوردند حال آنکه بیان آنان و یا حداقل تلقی عده‌ای در مسیر تضعیف قوه قضائیه است.

تهاجم به این رکن مهم اجتماعی بهر علت و تحت هر عنوان و انگیزه‌ای باشد گامی در جهت محدود ساختن آزادیهای فردی و اجتماعی و انهدام مظاهر عدالت اجتماعی است در حقیقت آنچه محتوای این مطالب و احساس میشود. تازیبانه‌ترین بر بیکر نیمه‌جان فرشته عدالت است. مدتها است شاهد تضعیف بلکه انهدام دستگاه دادگستری بوسیله عناصر و عوامل گوناگون هستیم که در لباس انتقاد شدیدترین حملات را

انجام میدهند. در این میان گروه‌های فاشیست و عناصر وابسته و عوامل فریبکار نفاق‌افکن وحدت ملی جای خود را به نفاق و برادری می‌دهد و برادرکشی داده است و نیروهای اصل ملی که بایستی در سازندگی ایران بعد از انقلاب سهیم باشند مورد تهاجم و یورش عناصر افراطی فاشیست قرار گرفته‌اند و ایمنی برجان و مال جای خود به نامنی داده است، لبه تیز حمله افراد و گروهها و متاسفانه اغلب زعمای قوم و حاکمین فعلی گنجه منوجه دستگاه دادگستری میشود. و بزعم خود میخواهند قوه قضائیه را که پشتوانه عدالت اجتماعی و عامل مهم گسترش و تعمیق آزادی و امنیت جامعه است به حرکت درآوردند حال آنکه بیان آنان و یا حداقل تلقی عده‌ای در مسیر تضعیف قوه قضائیه است.

امروز ۲۹ خرداد مصادف است با روز خلع بد از شرکت نفت جنوب، به همین مناسبت آقای ناصر نجمی که همراه هیئت خلع بد به خرمشهر و آبادان رفته بود مقاله‌ای نوشته که در زیر میخوانید.

چند روز بعد از استقرار هیئت خلع بد در خرمشهرن به آبادان رفتم و اداره اطلاعات و روابط عمومی شرکت ملی نفت را تحویل گرفتم. اداره وسعی بود با عده زیادی کارمند ایرانی و انگلیسی و هندی، انگلیسی‌ها که در این دستگاه خدمت میکردند اکثر از افسران و درجه داران سابق و جنگجویان ارتش بریتانیا بودند که در اغلب صحنه‌های جنگ میان ارتش انگلیس و آلمان چه در خاک اروپا و چه در شمال آفریقا شرکت کرده بودند و این معنی از نشان هائی که پس از رفتن و عزیمت این عده از کارکنان خارجی اداره اطلاعات بدست من رسید روشن میگردد. پس از اجرای خلع بد مرحله دوم درمهرماه سال ۱۳۳۰ ضمن جابجا کردن وسائل اداره چشم ما به این نشانها افتاد که به پاس عملیات درخشان و فداکاریهای این افسران انگلیسی به آنها داده شده بود. این کارمندان انگلیسی ما موریت‌های مختلفی از قبیل عساکری، فیلمبرداری و حتی کسب اطلاعات را بعهده داشتند و چنین بنظر میرسید که ما موران کسب خبر و اطلاعاتی

عربده جویبه کنج‌نزدان میرفت، مردم در حرم قانون مصون از تعرض بودند. دیگر کسی جرات نمی‌کرد میتینگ و اجتماعات مجاز گروههای ملی را با سنگ و بطری و گلوله و عربده‌جویی و کار دو قه کشی به خون ریزی بکشاند.

در مملکتی که هرگز نکش قداره بندی بدون علت آزادی کشی می‌کنند و هر قدر می‌توانند سالب حقوق اساسی افراد خود در کشور که رئیس جمهور آن بارها از اعمال خود سرانه گروههای متعدد تصمیم گیرنده اظهار شکایت کرده است آیا نیاز جامعه به دادگستری قوی و پرتوان که بازوی انقلاب و یاور محرومان باشد احساس نمی‌کنید؟

آیا تضعیف قوه قضائیه و مایوس ساختن افراد شریف متعهد انقلابی که در نقش قاضی و وکیل دادگستری روزهای خون و آتش دوران محمدرضا خان و آغوش گرم آنان پناه انقلابیون و قلم و بیان آنان مبشر آزادی و استقلال وطن و در خدمت انقلاب بودگانه نیست؟!؟

عربده جویبه کنج‌نزدان میرفت، مردم در حرم قانون مصون از تعرض بودند. دیگر کسی جرات نمی‌کرد میتینگ و اجتماعات مجاز گروههای ملی را با سنگ و بطری و گلوله و عربده‌جویی و کار دو قه کشی به خون ریزی بکشاند.

در مملکتی که هرگز نکش قداره بندی بدون علت آزادی کشی می‌کنند و هر قدر می‌توانند سالب حقوق اساسی افراد خود در کشور که رئیس جمهور آن بارها از اعمال خود سرانه گروههای متعدد تصمیم گیرنده اظهار شکایت کرده است آیا نیاز جامعه به دادگستری قوی و پرتوان که بازوی انقلاب و یاور محرومان باشد احساس نمی‌کنید؟

آیا تضعیف قوه قضائیه و مایوس ساختن افراد شریف متعهد انقلابی که در نقش قاضی و وکیل دادگستری روزهای خون و آتش دوران محمدرضا خان و آغوش گرم آنان پناه انقلابیون و قلم و بیان آنان مبشر آزادی و استقلال وطن و در خدمت انقلاب بودگانه نیست؟!؟

اختناق لحظه به لحظه نضج می‌گیرد و قوام می‌یابد در کشوری که بر خلاف نص صریح قانون اساسی، آزادی بیان و نوشته و اجتماع و مسکن و همه چیز دستخوش امپال و هدفهای این و آن است و واقعا هیچکس آزاد را در محدوده مقید به قانون و بر اساس معیارهای واقعی لمس نمی‌کند.

در کشوری که به جای محرملی‌کنان مرحوم عده‌ای چماقدار و وصی او شده و نقش او را در سانسور با هجوم به محل فروش نشریات و محل توزیع جراید و کتابهای مضره ایفا می‌کنند، و روز روشن نماینده ملت را دستبند می‌زنند و زندان گسیل میدارند و موضوع خیلی زود درز گرفته میشود، نیاز بوجود یک دادگستری نیرومند و مبتنی و اصل احساس میشود، که بر اساس ضوابط صحیح قانون مطبوعات را اجرا نماید و میدان به دست عناصر بی‌صلاحیت نیفتد.

در کشوری که یک روز با بوق و کرنا و مصاحبه قیمت زمین را صرفا روی کاغذ به صفر می‌رسانند و مردم زود باور

را به اقدامات بیگانه و قاطع دولت در زمینه توزیع عادلانه ثروت مطمئن و مغرور میسازند ولی به فاصله یکماه قیمتها قوس صعودی طی می‌کند و خانواده‌هایی به مرز بدبختی و بی‌خانمانی سوق داده میشوند. در کشوری که نرخ‌گذاری معنی و مفهومی ندارد و ضابطه و قاعده‌ای بر روابط اقتصادی حاکم نیست و کمر مصرف‌کنندگان که قشرهای عظیم طبقه محروم و زحمت‌کش ملت ما هستند زبربار گرانی مصنوعی سرام آورده شده است. در مملکتی که صف‌های طولیل کالاهای مصرفی، بجای سازندگی، مردم را به آلت معطله تبدیل کرده است و میزان تورم از مرز ۵۰ درصد فرزونی گرفته و بحران عظیم اقتصادی زندگی مردم و مملکت رافلج کرده است، شما بجای استفاده معقول از نیروهای خلاق و فعال که با بینش صحیح سیاسی و اقتصادی و علمی می‌توانند راه‌گشا باشند آنان را به طریق نامعقول از گردونه خارج میسازید و بهر کس به نحوی یا مهر باطله میزنید یا او را به بازی

نمی‌گیرید و انحصارطلبی را بحد اعلاء رسانده‌اید چگونه امید موفقیت و رستگاری دارید، مگر در بیراهه و سنگلاخ ره پیمودن شما را به سر منزل مقصود می‌رساند. شما غافلید که هجوم به قوه قضائیه و لیسو بصورت یک حرکت کند و ضعیف حمله به یکی از پایه‌های متین جمهوری نویای ما است. شما که مرتب از اصلاح دستگاههای سیاسی دولتی دم می‌زنید چرا خود در جهت تحریک صحیح ادارات و بخش ارگانهای مملکتی و نهادهای اداری گام بر نمی‌دارید. استقلال افراد و کانونهای مستقل چه طرفی می‌بندید و چه بی‌طرفی می‌بندید که بی‌بهره‌ای می‌بندید که انتخابات دمکراتیک و نمونه کانون و کلا راه بهانه‌های پاکسازی متوقف می‌کنید؟! آیا در سایر ارگانهای که فعلا "بر مقدرات مردم وطن ماحاکم اند" پاکسازی را اعمال کرده‌اید عمل پاکسازی بدور از حب و بغض و در مسیر واقعی بوده است. میخواهید ما را کجا بقیه در صفحه ۴

حسن چهره‌ها را بگشای تا با توداع کنم. من مادر توام. او بلبهای نیمه‌جان فرزندش یوسه‌زد و بیهوش شد. بغض آنچنان گلیم را فشرده که بشدت گریستم خون دستام که خون شهید حسن بود. همان رنگ خون حسین بود. حسن، یک سرباز فراری انقلابی، که پادشاهی با باد. خون حسن و خونهای دیگر همه در راه آزادی و سعادت ملت در این سرزمین ریخته است و ضامن حفظ استقلال ایران آزادی - اسلام این اوزهای پنج حرفی است آنانکه رسالت خون این شهیدان را بی‌بازی گرفته و از آنها در راه امیال شوم خود بهره میگیرند خیانت بزرگی را بنام خود به ثبت می‌رسانند. مرتضی حدادی

می‌تاخندند. حماسه‌ای تابناک سرگرفته بود حالا، سرهنگ... همسایه‌ها ما نوس ما خود گریخته و با اعزام خانوادهاش با انگلستان بساط جاز فرزندانش را برچیده بود. در کوچه ما بجای جاز سرود ای ایران‌وی آزادی در قلوب همه زمزمه میشد. با شدت زدو خورد، در همان نقطه ۲ شهید دیگر بخلق قهرمان ایران هدیه شد. آخرین شهید را که نفس‌های آخر را میزد به وسط کوچه رساندیم.

امعاء واحشاء آن جوان متلاشی شده بود. من تصور میکردم او در آخرین دم حیات در حالیکه احشاء خود را می‌نگرد نیاز به تسلی دارد. مرتب میگفتم نترس خوب می‌شوی، ناگهان بالای سرم سایه، یک مادر را دیدم که گفت پسر

این شهید را برداشت و گریخت. آنجا من فریاد زدم هموطن بشتاب، دستی نیازمند کمک و شهیدی در راه است، سرها از پنجره‌ها بیرون آمد. نوجوانی را دیدم همچنان زده از جنگال مادر گریخته بسوی ما می‌آید. مادر ناله‌کنان و باستمالت فرزندش را باز میخواند که از حال رفت. فرزندتی که بر مادر عصیان کرده بود در رسید. سرعت جنازه شهید گمان را بدوش کشیده و تکبیر گفتیم. مردم همه بیرون آمدند. با مشت‌های گره‌گرفته فریاد می‌زدند که شهید را در میان گرفتند و آن گمان را به بیمارستان فرستادند.

آنگاه، شکوه نبرد ملت خیره‌کننده بود همه با چشمان اشکبار سرود آزادی میخواندند و با کوکتل بی‌محابا به پیش

باز داریم، ۳، خسته و بی رمق از یادگان عشرت آباد خیر پیروزی ملت را بارمان می‌آوردیم. کوچه افرا در شمال باغشاه سابق در سکوت بهت‌آوری فرورفته بود، نیرخی ترسان، لوزان گشاه سرک میکشید و از اوضاع بد داخل خانه گزارش میداد.

همسایه با عطفوت خاصی با میوه از من پذیرائی کرد. جوانکی ناشناس، ۳-۴ بدست لنگان لنگان ولی بی-محابا پیش می‌آمد. بسرعت او را از خطر آگاه نمودم و به‌خانه همسایه دعوت کردم گفت: تشنه‌ام و خسته. میخواهم یک گوشمالی بدهم و بمنزل بروم. انگار فرشته شهادت او را بقربانگاه و منزل ابدی می‌برد. هرچه سعی کردیم وی را

چنین بود که یک کشتی نفت کش را بنام (رزمار) که متعلق به یک شرکت ایتالیائی بود و دارم می‌کنند از ایران نفت خریداری نماید و وقتی کشتی مزبور در آبادان بارگیری کرده براه میافتد. نیروی

## گوشه‌ی از نبرد ملت در کوچه افرا

(ناخدا) دبیر علائی بود فرمانده این ناوهای ناگزیر بود در برابر ناوهای ناوگان جنگی انگلیسی به ما نوره‌ای چند اقدام کند که در یکی از این ناوهایمان بدعوت ناخدا دبیر علائی در ناویلیت شرکت داشتیم و جزئیات آنرا با دوربین تماشا میکردم. از سوی دیگر بدستور هیئت مدیره سربازان مستقر در آبادان برای نشان دادن عکس العمل در برابر عملیات نیروهای انگلیسی دست بیک رژه نظامی زده و پس از بستن خیابانهای آبادان در آنجا ترتیب ما نور عظیمی را میدهند که اسباب وحشت و نگرانی عمیق انگلیسی‌ها میشود. مقامات انگلیسی ترس از آنرا داشتند که مانور نیروی نظامی ایران در آبادان احساسات ملی و خشم ایرانیان را برانگیزد و تحت تاثیر هیجانات آنی به مهندسان و کارشناسان فنی انگلیسی که همچنان در مؤسسات مختلف آبادان مشغول کار بودند حمله‌آورند به همین جهت و به انگیزه بیم و وحشت سفیر انگلیس در تهران از دکتر مصدق وقت ملاقات خواسته بعجله خود را بخانه ایشان می‌رساند و در حال نگرانی عمیق از ایشان تقاضا میکند بمنظور جلوگیری از حوادث ناگوار احتمالی بقیه در صفحه ۴

خدمت انگلیسی‌ها بودند سوار بر عرش‌ها می‌نمود و به بصره می‌بردند و در آنجا بحضور مدبرعامل برکنار شده انگلیسی می‌رسانند. (در یک) به آنها دستوراتی میداد و آقایان برای تکمیل خویش خدمتی‌های گذشته خود در تاسیسات نفتی مشغول کار شکنی و چوب لای چرخ دستگاه نهادن میشدند، البته رفت و آمد مرموز آنها از دید چشم ما موران ایرانی و خاصه ما موران فرمانداری نظامی آبادان که فرماندهی آن با سرتیب کمال بود دور نمی‌ماند. در همین وقت بود که تعدادی ناو جنگی انگلیسی که پیشاپیش آنها کشتی جنگی (موریس) قرار داشت به شط العرب وارد شده و در برابر پالایشگاه آبادان مستقر گردیدند. توپهای دورزن این ناوگان مستقیما "پالایشگاه و سایر تاسیسات نفتی را هدف قرار داده بودند.

از سوی دیگر خبر رسید که انگلیسی‌ها نقشه اشغال آبادان را هم مورد نظر قرار داده و چندین هزار چتر باز در جزیره قبرس مستقر ساخته‌اند که با یک فرمان و در زیر تشبیه‌های ناوگان جنگی خود به آبادان حمله کنند. در برابر ناوگان انگلیسی مستقر در شط العرب چند ناو کوچک جنگی و از جمله ناویلیت استقرار یافته بود که فرماندهی آنها با سرهنگ

بودند. (در یک) که هنوز هم از نتیجه کار ما یوس نبود در شهر و بندر بصره یک کانون توطئه علیه شرکت ملی نفت ترتیب داده بود، او با ایرانیان سرسپرده خود که همگی در خلال بیست و چند سال خدمت

بدون نفت و تشویق صادرات را مورد توجه قرار دهد و چنانکه میدانیم این سیاست بخوبی پیشرفت داشته و مانع از ورشکستگی و سقوط اقتصادی و مالی دولت ایران گردید.

دریائی انگلیسی مستقر در دریای احمر نفت کش را توقیف نموده و آنرا تحویل دادگاه عدن میدهد. انگلیس در دادگاه فرمایشی عدن دولت ایران را براهزنی دریائی متهم نموده و مدعی میگردد که محصوله نفت کش رزماری متعلق به آنهاست و ایرانیان آنرا سرقت کرده‌اند (.)

و چنین شد که دیگر کمتر کشور یا شرکتی حاضر میشود از ایران نفت خریداری نماید در نتیجه اجرای این سیاست مزورانه انگلیسیها دکتر مصدق ناگزیر شد از چشم پوشیده و اصل اقتصاد

## چگونه از شرکت غاصب نفت خلع ید به عمل آمد

در تاسیسات نفتی آبادان نشان‌های مختلفی از قبیل نشان زانویند، بند شلوار، نشان ملکه ویکتوریا از دولت بریتانیا دریافت کرده بودند در تماس دائم بود، سرشناس ترین این افراد دکتر رضا فلاح رئیس موقت پالایشگاه نفت آبادان و جاوید یکی دیگر از بزرگ‌نشان داران بریتانیا کبیر بودند. وقتی شب پرده ظلمت بر روی جزیره آبادان می‌کشید چند ناو کوچک بدستور دریک آب‌های شط العرب را می‌شکافت و در یکی از اسکله‌ها لنگر می‌افکند و حضرات ایرانی در راکه فقط شناسنامه ایرانی در دست داشتند و عملا در

استقرار ناوهای جنگی انگلیس در برابر آبادان انگلیسی‌ها میخواهند آبادان را به اشغال نظامی خود در آورند.

وقتی اولین مرحله خلع ید از شرکت سابق نفت اجرا گردید و (در یک) ظاهرا محل کار خود را از خرمشهر به بصره انتقال داد هنوز در آبادان و چند منطقه نفت خیز از جمله مسجد سلیمان چند صد نفر کارشناس، مهندس، استادکار انگلیسی مشغول کار

دریائی انگلیسی مستقر در دریای احمر نفت کش را توقیف نموده و آنرا تحویل دادگاه عدن میدهد. انگلیس در دادگاه فرمایشی عدن دولت ایران را براهزنی دریائی متهم نموده و مدعی میگردد که محصوله نفت کش رزماری متعلق به آنهاست و ایرانیان آنرا سرقت کرده‌اند (.)

و چنین شد که دیگر کمتر کشور یا شرکتی حاضر میشود از ایران نفت خریداری نماید در نتیجه اجرای این سیاست مزورانه انگلیسیها دکتر مصدق ناگزیر شد از چشم پوشیده و اصل اقتصاد

# طرح توطئه حسن آیت برای سقوط رئیس جمهوری اسلامی ایران

صفحه ۴

دبیروز، روزنامه انقلاب اسلامی بر خلاف رویه‌های همیشگی خودی ساعت ده صبح انتشار یافت. در این شماره که به اعتباری عنوان آنرا شماره فوق العاده بشمار آورد. بخش اول نوار مکالمه تلفنی دکتر حسن آیت عضو هیئت رهبری حزب جمهوری اسلامی و نماینده تهران در مجلس شورای ملی، تحت عنوان:

(( توطئه توسط دکتر حسن آیت )) انتشار یافت که ما با توجه به اهمیت موضوع عین آنرا در اینجا منتشر میسازیم.

\* \* \* \* \*

اطلاع یافتیم که دکتر حسن آیت در صحبت‌هایی که روزان بدست آمده است علیه بنی صدر بفعلیهای مخفیانه ای مشغول است و قصد آن دارد که به برنحو شده بنی صدر را تا کام این خیر تقریباً همزمان با شروع فعالیت‌های خود که تحت عنوان انقلاب فرهنگی صورت گرفت و طی آن گوش میزدانگام ها تعطیل شود. ما بنا به وظیفه خود که باید سرمد را جریان امور قرارداد هم آنچه در پشت پرده میگذرد را روشن کنیم درصدد تحقیق برآمدیم و بی‌بردم که مسئله واقعیت دارد ولی کم و کیف کامل جریان همچنان در پهنام بود. آنچه در همان موقع برای ما روشن شد این بود که حسن آیت و عده‌ای دیگر که در اطراف او گرد آمده‌اند به برنحو که از دستشان برمیآید پشت علیه رئیس جمهوری القاء گینه و دشمنی میکنند. ما گوشیدیم بدون آنکه از کسی نام ببریم با تحلیل جریانات حتی المقدور به روشنگری بپردازیم که در مقامات و سرقالمهائی که در ماههای اخیر به چاپ رسیده است مندرج است پس از مدتی خبر رسید که حسن آیت در نوار دومی بسیار شدیدتر از طرف‌های برای ساقط نمودن بنی صدر رئیس جمهور منتخب مردم صحبت کرده و ضمن آن اولاً با نسبت دادن مطالب دروغی به رئیس جمهوری از قبیل "مهره آمریکائی"، "مرتبط با ختیار" و "اجرای شک و شبیه علیه وی میکند و ثانیاً نقشه‌ای را که بی اجرای آن بنی صدر به "سقوط" گشایده میشود با طرف‌های خود در میان میگذارد.

هر چند نسبت به صحت خبر مطمئن شدیم ولی برای آنکه مدرک در دست داشته باشیم درصدد یافتن اصل نوار برآمدیم. اینک آن نوار بدست ما رسیده است و متن پیاده شده آن برای آگاهی شما از توطئهای که در جریان بوده است تاریخچه جمهوری مردم را ساقط و قدرت را قبضه کنند از نظرشان میگذرد.

ما با توجه به اوضاع عمومی کشور حتی اگر فرض اینان موفق میشدند باید ایجاد آژوسهایی در جمهوری را ساقط کنند، شیرازه امور چنان از هم می‌گسست که کنترل آن در توان هیچیک از گروه‌های موجود نبوده و نیست. به همین دلیل چنین توطئهایی نه فقط رئیس جمهوری کنونی که نظام جمهوری اسلامی را تهدید میکند. گینه توی آیت نسبت به رئیس جمهوری از گذشته‌های وی در نوار که اینک پیش‌شوری دارد کاملاً مشخص است.

سازگرنیکی در امور. مانع شدن از موفقیت بنی صدر در انجام کارها. ایجاد بدبینی نسبت به بنی صدر.

سپس دروغ‌های بزرگ به بنی صدر. در قسمت پایانی نوار گفته‌های آیت بطور کاملاً آشکار حکایت از طرح کودتایی برای سقوط رئیس جمهور مردم میکند. به گفته خود آقای حسن آیت: "حتی ترتیبی داده شده که برخلاف قدسه قبل (طرح باصطلاح انقلاب فرهنگی و تعطیل دانشگاهها) نمیتواند بیاید مقاومت کند" ناگفته نماند که خبری‌انتمیم که این نوار را خدمت امام برده اند و امام پس از شنیدن آن شدت مگدر شدند.

دو تکرار نیز لازم است: (۱) نوری که پیاده شده آنرا میخوانید نوار دوم است که از زمان آن خیلی نمیگذرد. نوار اول در فرصت دیگری بچاپ خواهد رسید.

(۲) بعضی قسمتهای نوار که بدرستی شنیده نمیشد با چند نقطه مشخص شده است. اینک متن پیاده شده نوار:

## بنی صدر هو چی گری میکنند!

مقدمه صحبت

اصولاً "قرار شده ماشینها را از ساعت ۱۰ به بعد بگردند.

مخاطب: گفته بنی صدر مبنی بر آمدن ۹۶ آمریکائی به ایران.....

آیت: بنی صدر هو چی گری میکنند. آمریکا چند نفر را فرستاده احتیاجی ندارد! از کجا فهمیدند! از آمریکا به آیت تلفن کردند! چون ما دستگاه خصوصی نداریم... از کجا میفهمند که آنها چند نفر فرستاده‌اند اگر بنا باشد دستگاه جاسوسی فلسطینی‌ها، عربها... یا احیاناً شوروی خبر دهند که آنها مستقیماً "خودشان خبر میدهند. این حرفها که بنی صدر میزند بیجان است.

برای جریان دانشگاه بعد از ۱۴ خرداد همین حرفها را میزنند میخواهند ما را تصفیه کنند، مجاهدین..... فلان بهمان برای اینکه دست بالا را داشته باشند. در حدود ۶ و ۶ گرد گروه مسلح ضد دولتی در ایران است پول بهشان میدهند. شبکه‌شان منظم است.

(در باره تحصن ارتشیه برای نرفتن به کردستان میگوید: (ب) بخاطر کردستان، بلکه بخاطر شل آمدن اینهاست (این تحصن).

## اصل مطلب طرح چه بود

این تصمیمی که گرفتیم و در همین اخیراً "میخواهد پیاده شود این چیزی است که اگر بخواهد بدانستجوی خبر داده بشود و زمزمه بشود فوری حریف میفهمد و آنکه باید بزود رویش بکده میزند یعنی باید بکمرته اعلام شود و بعد شروع کنند دانشگاهها و اینها روش تبلیغات کردن و بر صدا راه انداختن گاهی اوقات عکسش است بالا زمینه ندارد و باید از پائین و میگویند آقا شما شروع کنید فلان مسئله را عنوان کردن، آن دانشکده و آن دانشکده عنوان میکند آنوقت بر اساس خواست مردم باصطلاح خودشان اینها این چیز میخوانند و تصمیم بگیرند بسته به نسوع تصمیمات و در انقلاب فرهنگی هر دوی اینها هست اینک

الان استادهای غیر اسلامی با بنی صدر تصفیه بشود این زمزمه‌ای است که باید از پائین سرودهای بلند بشود.

با استاد غیر اسلامی نمیخواهیم برود بکجا دیگر کار کند بعد آن تصمیماتی که چکار کنیم، یک دانشجو در عرض اینمدمت که دانشگاه ظاهراً "تعطیل است عملاً" که تعطیل نیست یا آدم میرود توی روستاها و با کارهای دیگر آنرا بکده بالا تصمیم میگیرد و پائین شروع میکند سرودها راه انداختن میخوانیم و تأیید کردن و..... این بسته بنوع ماهیت چیزهاست که ما اینجا تصمیم میگیریم هر دوش هم لازم است.

دانشجوها، چون دانشجویان عنوان دانشجو دارند بخصوص دبیرستانها را شما باید شروع کنید به کنترل کردن، برید درس بدهید بحث کنید (هر دبیرستانی دو نفر).

دانش‌آموزان را حوزه‌بندی کنید همانطور که آنها میروند شما هم باید بروید. آنها را هم شروع میکنید در کارشان مشکلات ایجاد کردن، نمیگذارند بی‌آید آنجا کویستها که مطلقاً، "میاند مجاهدین که عنوان اسلامی دارند بخودشان آنها عملاً" جلیوشان را میگیرند و نمیگذارند اینطور اسلام را به این ترتیب.....

دانشگاهها باین صورت فعلی باید تعطیل بشود و برنامه‌های آینده کارهای عملی در رابطه با مردم و در زمینه اپدولوژی و اسلامی کردن این کلیات مسئله است.

## چگونگی پیاده کردن طرح

ما به چه شکل، این شاید یک هفته یا دو هفته و شاید هم بعد اعلام بشود یا چند روز قبل. متضمن اینستکه امام در زمینه کاملاً "قرار بگیرد.

..... و یک مسئله‌ایست که امام یک نامه نوشته بود... حالا اگر این نامه را برای تقی فراخی نوشته بود بعد است با یکی دیگر نوشته بود، تقی فراخی جزو باند بنی صدر است و آدم کاری نیست اگر امام این نامه را نوشته باشد یک معنی میدهد. اما اگر یک کسی دیگر نوشته باشد توش گوشه و کنایه زیاد است.

## ضدیت با بنی صدر

(در مورد گفته بهشتی در روزنامه) بنی صدر در کل نظرش با من است (منظور ضدیتش است) اول کار که این جریان شروع شد دکتر بهشتی با خامنای پا دیگران (میپنداشتند که اینها) آدمهایی بودند که نمیتوانستند در خط امام باشند و حتی مدنی را فکر میکردند در این خط باشد بنی صدر جبهه ملی..... اولین کسی که از قبل از انقلاب و حالا حتی دقیقاً "از موع انقلاب صریحاً" این مسائل را عنوان کردم که اینها خط امام نیستند و اینها جدا هستند و شما نمیتوانید با اینها یکسان عمل کنید.

حتی موقعی که داشتم حزب جمهوری را علناً پایه‌گذاری میکردیم قبل از انقلاب خوب اینها فکر میکردند پیمان، بازگان، بنی صدر، سنجایی، مدنی همه قابل همکاری هستند.

حتی مطرح میکردند حاج سید جوادی..... من از همان اول گفتم اینها نمیتوانند با شما همکاری کنند اگر دعوتشان کنید به همکاری بیایند. کار را از دست شما میگیرند و خراب میکنند و نمیگذارند. ولی اینها قابل فهم نبود مسئله‌ها بتدریج که یک مقداری آمدیم پیش برای اینها روشن میفهمند حاج سید جوادی کی هست..... خود حریف هم، بنی صدر و اینها میسرید بگوشان، یکسال پیش دو ما پیش ما اینها را گفتم میفهمه حریفش کی هست. یعنی کی میشناسه (بنی صدر.....) چه خطی دارد، این بود که از همان اول هم سیاستش این بود که من را بگوید. خوبیم روی همان خطی که من میگویم البته تا حدی قرار گرفته و شناخته که بنی صدر کیه. مدنی کیه دیگران کی اند اینست که خواه و ناخواه خوب هم مطرح میکنه (بنی صدر یعنی جناح مخالفش) اما باز قضیه را زیر سر من میدانند. دقیقاً "همه جا هم مطرح کرده. راست هم میگو چون خشن را من نشان دادم.

## القاء فکر ضد بنی صدر با توسل به انواع دروغها

این بنی صدر تو جبهه ملی دوم است و اسلامی هم فکر نمیکند. بنی صدر جزو جبهه ملی دوم بود با همین هدایت‌الله متین دفتری، شاهپور بختیار، همکاری داشت. ۱۵ خرداد ۴۲ نه نوشته‌ای نه کلامی نه حمایت از خمینی..... بنی صدر دو سال قبل از انقلاب با شاهپور بختیار با دکتر صدیقی برنامه داشته تماس داشتند و به شاهپور بختیار گفتند تو نخست‌وزیر شو و ما تو را از جبهه ملی بیرون میکنیم که اگر امام مرد تو را وزیر و نخست‌وزیر کن. اینها (سرگذشت بنی صدر و تاریخچه زندگیش) را ما منتشر میکنیم (آیت این را به مخاطبش میگوید). اینها خط داشتند نشستند..... آن ارباب آمریکا میخواستند ببرند چه انگلستان چه آمریکا.....

..... اینها (منظور بنی صدر و جبهه ملی) نمیگفتند آقا متعصب دینی است گروه‌های سیاسی را تشلیق نمیدهند. اینها تو بنی صدر داشتند یک نقشه اینکه همان بلایی که سر کاشانی آوردند سر خمینی بیاروند یک آدم سازند جلوی خمینی که نتوانستند..... طالقانی هم که مرد..... حالا بنی صدر..... مگر فکر این هستند اگر نشه کسی را بسازی میگویند امام که می‌میرد بنی صدر باید قدرتی پیدا کند و یک محبوبیتی پیدا کند و یک نامشایی پیش مردم داشته باشد که امام بنی صدر را میخوانسته، امام به بنی صدر رای داده و..... یک نامه بنی صدر به امام مینویسه کلی، امام مینویسه موافقت میبند این ساخته آن مسعود رجویسه که میگوید حالا که امام با اختیارات تو کدام اختیارات؟ چه ماده است: (ب) ماده‌اش اینست که نخست‌وزیر با موافقت امام تعیین شود. یعنی شورای انقلاب باید موافقت بکند امام باید موافقت بکند تا نخست‌وزیر تعیین شود. پس اینک اختیاری نبوده برای بنی صدر اختیار دوم که قوای انتظامی - زیر نظر باشد که هست - زیر نظر کل حکومت جمهوری اسلامی است.

قسمت سوم - که رادیو و تلویزیون باصطلاح اسلامی باشد مگر امام میگوید غیر اسلامی باشد اینرا گذاشته پای اختیارات ولی امام دعایی را انتخاب کرد برای اطلاعات بنی صدر در یک ابلاغ بی. بی. سی. ه نوشته که تو هم منصوب شدی از طرف من که خوب منصوب شده هست، این میخوانند نتیجه بگیرد یعنی میخواند بگوید هان پس الان هم آمده پیشدستی کرده و این آقای تقی فراخی صدمیت رادیو و تلویزیون برسرستی صدا و سیما در حالیکه "اصل" بنی صدر بر فرض محال من میدانم این نامه را امام به کی نوشته اگر به کس دیگری به غیر از تقی فراخی نوشته باشد "اصل" خردکننده است برای بنی صدر، اما اگر بخود تقی فراخی هم نوشته باشد باز خردکننده است. منتهی یک کسی تعدیل شده درست خلاف آن چیزی که بنی صدر گفته کسی که غیر اسلامی هستند بریزید بیرون..... همه که خالاکه این هم باشد تا بکاه بعد که مجلس تشکیل بشود قانون اساسی را نمیتوانند ندیده بگیرد قانون اساسی میگوید ۳ نفر باید در رأس رادیو تلویزیون باشند. یکی از طرف مجلس - قضائیه - مجریه - امام هم اشاره کرده بود که رادیو تلویزیون نباید زیر نظر هیچکس باشد مستقل باشد. ما خط نوشته را خواندیم. خود نوشته را خواندیم. میداند چه باید بکند چون دیده که من همفاس را از جولوجو گفتم، گفتم که بنی صدر این است.

و همینطور هم شد یعنی الان این آخرین مهرهای است که ظاهراً "هم شده رئیس‌جمهور... چون ابتکار عمل دست مجلسه باز مسئله مجلس است.

## رئیس جمهوری اختیار ندارد!

اگر آن پیش‌نویس را که آنها (سحابی) درست کرده بودند اگر آن تصویب شده بود اصلاً انقلاب از بین رفته بود. الان بنی صدر رئیس‌جمهور بود و رئیس‌جمهور هم همه کاره. هم میخواست مجلس را منحل کند هم دادگستری قضاتش را این منصوب میکرد هم ارتش را زیر فرماندهی داشت. همه چیز زیر نظرش بود ما توی این قانون آدمیم فرمانده کل قوا را داده‌ایم به رهبر اگر آن باید آترا نماینده خودش کنه این اصل نیست هر وقت خواست میتواند ازش بگیرد. اختیارات کامل را هم که دادیم مجلس رئیس‌جمهور فقط میتواند مدال بدهد و مدال بگیرد و سفرا را بحضور بپذیرد و السلام هیچ اختیاری نداره بنی صدر تلاش میکنه ولی چیزی (اختیاری) ندارد. به سواهاها آمده گفته که آره آنها شهرشان وکیل میدهد همه آمدند رای دادند به یک نفر که ضد بنی صدر است باز از دوستهای من، این از اول قبل از انتخابات ریاست‌جمهوری، پاهاش رو کرده توی کش همین که این فلان است و بهمان است و چه کار کرده و این چیزها مردم سواد آمدند به این رای دادند آن انتخاب شد حالا آمده بنی صدر تلاش میکنه انتخابها را باطل کند. باطل کرد حتی شورای انقلاب هم پذیرفت. دوباره انتخابات بشود همان میشود حرفی توش نیست. اینها آمده‌اند در خانه ریاست‌جمهوری و دفتر شورای انقلاب و اعتراضی، تمام مدرسه‌ها جمع شده‌اند آنجا در خانه امام آنوقت وقتی در میان توخ تعیین میکنند "اصل با خود شما مردم میدانیم" اگر مجلس هم کج رفت..... فردا میزنند تو دهنش تو چه کاره‌ای نوشت روزنامه که تو چه کاره‌ای مجلس همه کاره است آنها که مستقیم به مردم مراجعه میکنند مجلس همان کاری که مصدق کرده نه، این دست و پهای بیبختی در خانه (بنی صدر) میزند.

هیچکاری نمیتواند بکند با این قانون اساسی با این شورای انقلاب با این امام مقابلش نگه داشتیم و گفتم اوضاع از چه قرار است هیچ کاری نمیتواند بکند یعنی هرچه بخواهد سر و صدا کند باعث میشود روز بروز ضعیفتر بشود.

مخالفت مردم برانگیخته‌تر بشود و حتی ناچار برکنارش بکنند اگر بخواهد تسلیم بشود که یک رئیس‌جمهور نشیافتی است و همین‌جور برود اینطرف و آنطرف حرف بزند هیچ قدرتی هیچ اختیاری مثل شاه انگلستان، الان فقط حرف میزند یک نخست‌وزیر میخواست تعیین کند نتوانسته..... چون فکر میکرد مجلس دیگر فکر نمیکرد یک قاطعی هم این طرفی باشد..... در دانشگاه کسی را نداده بخصوص که روز بروز هم در دانشگاه باگهش دارد ضعیفتر میشود چند نفری هم که باهاس بودند یعنی بیطرف بودند..... دانشجوی خط امام که باهاس برکنند دانشگاه هم همینطور باهاس برکنند طلاب و حوزه علمیه هم که اصلاً "باهاس نبود حالا هم که در جریان مخالفتش قرار گرفتند بازار هم داره کم کم برمیگردد مانده عموم مردم که عموم مردم هم جهت ندارند و جهشان هم جهت روحانیت است. روحانیت هم که وقتی درست برگرداند عموم مردم هم برمیگردند (از بنی صدر) الان هم عموم مردم هنوز دقیقاً "در جریان نیستند یکی که فکر میکنند بنی صدر و بهشتی همه در یک جریان هستند گره‌چاله که کم دارند میفهمند کسار یک جریان هم نیست.....

## این آخرین مهره است!

این آخرین مهره است نقش خودش را بازی میکند بکهدو تا افراد دیگر که در خط اینها نیستند ممکن است بیایند با بزگر صحنه باشند. خوب اینها افرادی که خط ندارند تا بنی صدرش خط دار بود در جهت آنها حرکت میکرد..... از الان بعد افرادی که میایند. که خطها برایشان مشخص نیست مثلاً "پیمان البته آنهم مشخصی داره و مشکل آوردنش بمیدان، حاج سید جوادی اینها مشکل آوردنش..... مثلاً تیبی دیگه معمولاً شناخت دقیقی مردم رویشان ندارند خودشان ظاهرالمطو هستند آدم بدی نیستند ولی خوب خط دقیق و مشخصی ندارند فرض کنید سرسليم را بیاروند نخست‌وزیرش کنند اینها خطشان را مشخص نمیدهند مثل خط امام باشند - بنی صدر کیه - پیمان کیه - مخاطب: آیا حزب کلا "هیج تصمیمی به همکاری ندارد.....

آیت: چرا وزیر میدهد همکاری نه وزارت شرکت میکند چون حق خودش میدانند نه اینکه با آن همکاری کند حزب میگوید بنی صدر کارهای نیست طبق قانون اساسی اکثریت نماینده مجلس میتواند نخست‌وزیر را تعیین کند نخست‌وزیر، خوبی، وقتی خواه ناخواه حزب برنده شد باید حزبی باشد حداکثر ارفاتی که حزب بکند بیاید یک شخصیتی را بگذارد که از لحاظ تعارض شدید بسا بنی صدر نداشته باشد بکده نباید بگوید: آیت خب اکثریت مردم بدانند بگوید فلان شخص..... کسی را ندازه نوبری، تاجیک..... کس را ندازه و جناح بازگان را نمیتواند بیارد چون دیگر انقلاب - متین‌دفتری نمیدانم مدنی - سنجایی - حاج سید جوادی - متین‌دفتری رجوی این تیبیه که همه مجموعاً یک واحد هستند اینکه نه امام زیر بار میروند نه مجلس زیر بار میروند و اگر شورای انقلاب نه شورای انقلاب. این (بنی صدر) اینها را میخواند. تمام نقش‌اش این است که اینها را بیارود محال است که خیابانی را بیارود براق وزارت محال بتواند وزیر بشوند.

الان اینها نون به هم قرض میدهند یک عده اینها دارند در اختیارشان (مجاهدین) الان جو تبلیغاتی دارند درست میکنند یعنی فلان جا که بنی صدر صحبت میکند خوب معلوم است اگر چهار تا کج بزنند و یا چهار تا سوت بزنند این اصلاً "بمزه میشود چند تا جا شرکت کرد میجنوب شد حالا هم مجاهدین و فدایی‌ها میروند - اصلاً" بنی نظرها اینها هم با آدمهای وارد مشخص است آدمهای اسلامی الی‌الهاکرم میگویند فوشت که خیلی نیمه اسلامی باشند کف میزنند اما دیگر توی اسلامی‌ها هیچوقت سوت زدن نداریم اخلاشان این نیست که کف بزنند حتی آن زمان طاعتوش هم اسلامی‌ها سوت نمیزدند این سوت زدن مال تیبی است که میخواند جو تصنیف ایجاد کند، معلوم که مجاهدین هستند (هوداران‌شان) اینها باند خوب چند تا در اختیار دارند برای اینکه بگویند این (بنی صدر) محبوب و مهم است - کف زدن و سوت کشیدن توی تلویزیون بکمرته بنی و بگوید امام به شما اختیارات داده این قبلاً "تانی شده بود که به سرمد بگویند امام به این اختیارات داده، یک چیز نداده را میسوزند، این استفاده میروه از اینها از آنطرف هم هرچه نامه میویسند، حضرت رئیس‌جمهور میبینی اینها همه رئیس‌جمهور برست شده‌اند در حالیکه ما مطلع هستیم اینها میخوانند بنی صدر را اصالت بدهند در مقابل امام تمام

کارشان این است تا حالا که نتوانستند بعدش هم نمیتوانند کاری ازشان ساخته نیست. الان برنامه‌تان روی منتظری باشد عکسش را ببرند و حرفش را بزنند توی سخنرانی نامی ازش ببرند تمام اینها باید صحبتی از منتظری باشه منتظری روز بروز بزرگتر میشود که اگر اتفاقی برای امام پیش آمد ما دیگر خیلی کار نداشته باشیم.

بنی صدر عکس این هدهش است چون حتی آن روز عید که تبریک فرستاد برای نجفی و گلپایگانی برای شریعتمداری فرستاد ولی برای منتظری نفرستاد مهم نیست اتفاقاً "بهر بود.

مخاطب میگوید: جهاد..... نرویم؟ آیت میگوید:

خیلی محدود بگذارید تا چهارده خرداد همه چیز روشن میشود البته شاید زودتر از آن روشن بکنیم یعنی زودتر از این برنامه، بهرحال خواهد بود..... تبلیغ بکنید که مجاهدین و بنی صدر با هم هستند ولی اعتراض نکنید و مردم بگویند اینها با هم هستند و تا حدی که میشود اعتراض مردم را برانگیزید.

خیلی خیلی بواش و طلب را بتدریج مردم بفهمند، اول بفهمند بعداً "اعتراض اشکال ندارد..... اعتراض به اینکه بنی صدر با رجوی با هم می‌نشینند.

تبلیغ روی همین مسئله که چرا باید وقتی یک میزگردی تشکیل میشود کسانی توش شرکت کنند که اکثر "نماینده اقلیت مردم هستند.

رجوی و احمدزاده - رجوی از تهران نشد احمدزاده مشهد نشد آن تاجیک و آنها هم قابل مقایسه نیستند و کسانیکه قابل تحمل بودند یکی شمس آل محمد، که خوب کاری به کسی نداشته و یکی معاد بخواه بوده و حد اکثرش حبیبی، بقیه مثل تکمیل هابون، از قزوين اصلاً "رای نیاورده اگر بنا باشد بایست نماینده اکثر مردم باشند نه این شکلی تلویزیون در اختیار اینها قرار بگیره.

خب این هم خوب شه‌امام اتفاقاً "روی این مسائل حساس است و میباید از رادیو تلویزیون چون امام معمولاً "تلویزیون نگاه میکند.

بعد از اعلام‌های بازگان، حبیبی، سحابی امام آنها را شیطاین کوچک خطاب میکند. آنها ضعفشان و حماقتشان اینجاست که جلوی امام ایستاده‌اند، باید به اینها میدان داده شود چون اگر میدان ندھی دستش را میبندی. تا یک جایی به اینها میدان داده میشود.

و مطمئن باشید که نقشه آماده است و اصلاً "زیر و رو میشود تمام مسائل و غیر از مسائلی که شما فکر میکنید، میشود. بعد از ۱۴ خرداد مطلقاً" نه انحصاری خواهد شد، نه دانشگاهی باز خواهد بود، دانشگاه تعطیل خواهد شد.

دانشجویهای انجمن اسلامی، اساتدها، زیاد با ما تماس میگیرند و میآیند مسائلی را میپرسند و به ما تلفن میکنند. ما یک ارتباط سازماندهی شده‌ای را داریم برقرار میکنیم. علاوه بر روابط خاص یک رابطه بین کل شهرها با اینها است که برقرار میشود. تصمیم بر اینست که انجمنی تشکیل بشود، که نماینده انجمنهای اسلامی دانشجویان دانشگاههای مختلف تهران و دانشگاههای سراسر کشور جمع شوند چه دانشگاهی، اسنادی، کارمندی از این نیروها باید استفاده کرد.

یک هجوم خیلی شدید خیلی شدیدتر آغاز میشود و در حدی میشود که بنی صدر را بطور کلی قلع میکند..... و حتی این هجوم خواهد شد.

حالا بگذارید ایشان (بنی صدر) هرچه بیشتر ناختم و تا زود، این بهتر است. اگر یکجا جلوش با دستکی، یکی از رنگبها اینست که خودش را زود هماهنگ میکند فوری میبرد روی موج، میگوید الان وقت حاکمیت دولت است.

در سمیناری که از تلویزیون دیش بخشن شد، هم به نعل میزد و هم به میخ، از آنطرف معلوم بود خودش را هماهنگ کرده با رجوی و با احمدزاده..... و با دیگران هماهنگ کرده.

رجوی میگوید حالا که شما اختیاراتی گرفتید، اختیاراتی نگرفته و بعد آن (رجوی) توجیه میکند بنی صدر را، و بنی صدر هم میگوید شما با جفاک زبانی میزنید..... خلاصه میخواند از خودش متفرنگند آنها را.

## برنامه‌ای داریم که پایای بنی صدر هم

نمیتواند مقاومت کند برنامه‌ای داریم که با پای بنی صدر هم نمیتواند مقاومت کند. ایندفعه مثل دفعه قبل نمیتواند مقاومت کند مسئله مهم الان امام است یک کلام بیاید بگوید. مخاطب میگوید: امام بیاید اسم ببرد و سازمان مجاهدین را خراب کند.

آیت: (امام) یک کاری خواهد کرد خیلی شدیدتر - امام شاه‌تخت نیست بگوید رجوی فلان..... بد است و فلان گفته بطور غیرمستقیم اما (امام) مثال میزند فرض کنید الان فردی که شناخته شده و ضد بنی صدر هم شناخته شده، خود بنی صدر هم میدانند..... حالا امام بیاید منرا تأیید کند. یعنی چه؟ معنی آن اینست کوبیدن او و کوبیدن شدید او.

شبه این کار خواهد بود (خواهد شد) ممکن است مرحله مرحله پیش بیاید ولی شبه ابتکار خواهد بود، ما برنامه‌اش را داریم روابطمان شکل در تهران محفوظ باید باشد انجمن همی تشکیل میدهیم حتی اگر شده هفته به هفته همی بفرستیم به شهرستانها ابتکار انجام خواهد شد.

به بجهه بگویند و (منظور دانشجویان انجمن اسلامی که در تبریز دانشگاه را در اشغال خود دارند) قرص و محکم باشند بزودی موج عوض میشود، به بجهه بگویند که قرص و محکم باشند و ترس نداشته باشند تصمیمی گرفته شده لاینعیر، تغییر ناپذیر است دانشگاهها بعد از ۱۴ خرداد تعطیل میشوند و بعد ما برنامه‌های خواهیم داشت و با پای بنی صدر هم نمیتواند روی این برنامه کار کند حتی ترتیبی داده شده که برخلاف دفعه قبل نمیتواند بیاید مقاومت کند، ظاهراً "هم همره میشود.

نوار دیگری که در دست است فردا منتشر میشود

